

اگر لئونارد کوهن را جزء موفق‌ترین آهنگسازان و ترانه‌سرایان اواخر دهه ۶۰ میلادی به حساب نیاوریم، حتماً باید از او به عنوان هنرمندی قابل توجه و قدیمی یاد کنیم.

کوهن در ماه سپتامبر سال ۱۹۳۴ در مونترال کانادا چشم به جهان گشود. زمانی که او متولد شد گروه Beatles و Rolling Stones فعالیت داشتند و الویس پریسلی در اوج فعالیت هنری در صحنه حضور داشت. پیشینه شخصی، اجتماعی و زندگی معنوی او شاید با دیگر ستاره‌های سبک راک و نسل‌های پیش از دهه شصت تفاوت چندانی نداشته باشد، اما پیشرفت قابل توجه او در ترانه‌سرایی و آهنگسازی در دهه شصت نمی‌توان نادیده گرفت. او تا قبل از سن سی‌سالگی به ضبط و اجرای آثار خود نپرداخت. در میانه سی‌سالگی بود که به ارائه کتاب‌ها و ترانه‌های خود پرداخت. موفقیت‌های ادبی او به عنوان شاعر و رمان‌نویس نسبت به آثار باب دیلن قدم فراتر نهاده اگر چه در صحنه خوانندگی هیچگاه رسایی و موفقیت صدای باب دیلن را به دست نیاورد. کوهن در خانواده‌ای متوسط متولد شد. پدرش تاجر لباس بود و هنگامی که ۹ سال داشت پدر را از دست داد. ولی با این حال محیط پیرامونش او را چنان تربیت کرد که توانست استعدادهای خود را در همان سال‌های اولیه کودکی نشان دهد. در سیزده‌سالگی به نواختن گیتار روی آورد و همین آغاز سبب پیشرفت او در سال‌های بعد شد.

در سنین نوجوانی، کوهن ترانه‌هایش را با گیتار در رستوران‌های محلی اجرا می‌کرد و در سن ۱۷ سالگی گروه سه نفره‌ای را به نام Buck Skin Boys تشکیل داد. پس از اتمام دبیرستان در رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه McGill پذیرفته شد. در دوران تحصیل، علی‌رغم میانگین پایین نمراتش، در زمینه نوشته‌های خلاق، موفق به کسب جایزه McNavughton شد. کوهن در سال ۱۹۵۶، یک سال پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه اولین کتاب شعر خود را با عنوان Let Us Compare Mythologies منتشر و موفقیت چشمگیری را در زمینه سرودن شعر کسب کرد. دومین اثر شعر او در سال ۱۹۶۱ با عنوان Spice Box of Earth منتشر شد و کوهن را در سطوح بین‌المللی مطرح کرد. کوهن پس از دوره کوتاه کاری در دانشگاه کلمبیا نیویورک به آن سوی مرزهای آمریکای شمالی سفر کرد. او سراسر قاره اروپا را گشت و سرانجام در جزیره Hydra در یونان اقامت کرد. او همراه با همسر و پسرش اکسل (Axel) به مدت ۷ سال در یونان زندگی کرد. در سال ۱۹۶۴ مجموعه شعری را با عنوان Flower for Hitler سرود که این مجموعه باعث بحث و جدل‌های فراوانی شد. در اواسط سال شصت و پنج میلادی دو رمان تحسین‌برانگیز با نام‌های Beautiful loser (1966) و The Favorite Game (1965) به رشته تحریر

به‌سان پرنده‌ای بر روی سیم

لئونارد کوهن Leonard Cohen
شاعر - آهنگساز Folk - Rock
گردآوری و ترجمه بابک قاسمی نژاد
کیوان سامانی‌راد



درآورد. این دو رمان به شهرت او در سراسر قاره اروپا افزود. کوئن می‌گوید: «من برای نگاهستن همواره احتیاج دارم تا در یک مکان زندگی کنم، محیط خانه بر من تأثیر به‌سزایی دارد. خانواده منظم و پاکیزه و جایی برای سکنی که دلبذیر باشد. این‌ها همه برای من مهیاست. پس چرا نتویسم؟» در دهه شصت، کوئن تجربه‌هایی نیز در موسیقی folk به دست آورد.

جودی کالینز (Judy Collins) که از او می‌توان به عنوان یکی از استعدادهای برتر موسیقی folk در اواسط دهه شصت نام برد، پس از شنیدن یکی از کارهای موفق کوئن با نام Suzanne لئونارد را ترغیب کرد تا در تور موسیقی folk song با او همکاری کند. حاصل همکاری این دو باعث شد تا کوئن به خوانندگی روی بیاورد و دو کنسرت موفق در فستیوال folk در Newport ارائه دهد. استقبال مردم از این دو کنسرت بی‌نظیر بود و نتیجه آن برنامه تلویزیونی موفقی بود. با نام Camera Three بود، که کوئن ترانه‌های خود را در این برنامه خواند. در همین دوران نول هریسون (Noel Harrison) ترانه Suzanne را اجرا کرد که در فهرست موسیقی‌های پاپ مکان مطرحی را به دست آورد.

در سال ۱۹۶۷ میلادی مسئولان کمپانی کلمبیا پس از این‌که کار کوئن را در فستیوال New Port دیدند، او را مورد توجه قرار دادند. کمپانی کلمبیا که با هنرمندانی چون باب دیلن کار کرده بود، استعداد کوئن را به خوبی شناخت و در کریسمس ۱۹۶۸ قرارداد را با وی امضا کرد و پس از آن اولین آلبومش با نام ترانه‌های لئونارد کوئن (Songs of Leonard Cohen) منتشر شد. با این‌که این اثر در تیراژ پایین منتشر شد و نیز ترانه‌های آن بسیار غمگین بود اما آلبوم از نظر معیارهای موسیقی folk جهانی قابل قبول واقع شد و باعث شد تا لئونارد در جامعه آهنگسازان و خوانندگان احترامی کسب کند. این آلبوم در بین دانشجویان نیز طرفداران بسیاری پیدا کرد.

آلبوم بعدی او با نام Songs From a Room (1969) مانند آلبوم قبلی‌اش حال و هوایی حزن‌آلود داشت. دو ترانه پرندهای بر روی سیم (Brid on a Wire) و داستان اسحاق (The story of Isaac) که در این آلبوم عرضه شد توانستند با ترانه Suzanne به رقابت بپردازند. ترانه پرندهای بر روی سیم، با حال و هوای حزن‌آلودش کوئن را به عنوان پیشرویی در انزوا مطرح کرد.

چون پرندهای بر روی سیم

چون مستی در نیم‌شب همسرایان

در راه خویش، پیکارم آزادی بوده است،

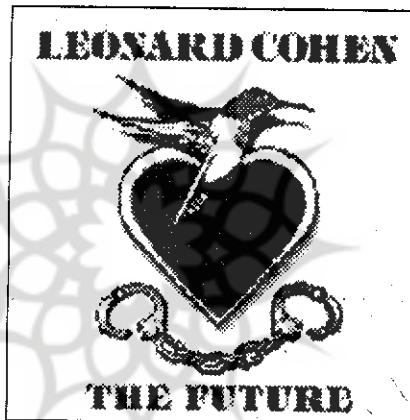
چون گرمی بر قلب

چون شوالیه‌ای از یک کتاب قدیمی

چون کودکی مرده‌زاد

چون ابلیسی با شاخش...

کوئن
شخصیت هنری خود را
با این گفته
ازرا پاوند
شاعر آمریکایی
توصیف می‌کند:
وقتی شعر
از موسیقی دور بماند
خشک
و
بی‌روح
خواهد شد



کوئن
در میان
ده موسیقیدانی
که

بر روی اشعار لورکا
کار کرده بودند
با ترانه

Take this waltz

رتبه اول را

در فهرست

موسیقی اسپانیا

به خود اختصاص داد

سومین آلبوم کوئن، با نام ترانه‌های عشق و نفرت (Songs of Love and Hate) در سال ۱۹۷۱ انتشار یافت. اما با وجود ترانه‌های تحسین‌برانگیزی چون Joan of Arc و Famous Blue Rain Coat و چندان مورد استقبال قرار نگرفت.

در سال ۱۹۷۳ ترانه‌های او برای نمایشنامه‌ای با نام Sister of Mercy چندان مورد استفاده قرار گرفت پس از گذشت سه سال از آخرین آلبوم کوئن، او در سال ۱۹۷۴ اثری با نام New Skin for Old Ceremony منتشر کرد و باعث گردید تا مجدداً توجه طرفدارانش را جلب کند. این آلبوم ترانه‌های جدیدی داشت اما کماکان از فضایی غمگین و افسرده بهره می‌برد. در سال ۱۹۷۵ کوئن با همکاری کمپانی کلمبیا آلبومی منتخب از بهترین آثار خود را با نام Best of Leonard Cohen عرضه کرد. در سال ۱۹۷۷ با آلبوم Death of a Ladies Man دوباره بر روی صحنه ظاهر شد. تهیه‌کننده این آلبوم یک تبعیدی با نام Phil Spector بود که شرایطی مبهم با گرایش‌های سیاسی داشت و همین باعث شد آثار Phil و کوئن در شرایط سختی قرار بگیرند. آلبوم‌های بعدی کوئن، با نام‌های Recent Song (1979) و Various Positions (1985) با وجود این‌که ترانه‌های زیبا و ایده‌آلی داشتند اما توجه زیادی را جلب نکردند. در سال ۱۹۸۸، کمپانی کلمبیا آلبوم am Your Man را از کوئن منتشر کرد. این آلبوم و به خصوص ترانه am Your Man پیشرفت چشمگیری را در آثار او نشان می‌داد. این اثر عنوان پرفروش‌ترین آلبوم سال را برای کوئن رقم زد. تا جایی که ترانه‌های کوئن توسط خوانندگان متعددی اجرا شد. یکی از این هنرمندان جینفر وارنر (Jennifer Warnes) بود که آلبومی از ترانه‌های کوئن را با نام Famous Blue Raincoat با صدای خود انتشار داد. پس از سپری شدن چهار سال کوئن یکی از نافذترین آثار خود را با نام The Future (1992) منتشر کرد. مضمون ترانه‌های این آلبوم بیانگر آینده هولناکی است که در انتظار انسان است. این اثر علاوه بر فروش خوبی که داشت توانست طرفداران و منتقدان آثار کوئن را به سوی خود جلب کند. و نیز باعث شد تا دومین اجرای زنده ترانه‌های کوئن با نام Live Songs در سال ۱۹۹۴ میلادی منتشر شود.

در سال ۱۹۹۴ آلبوم استون از ترانه waiting for the Miracle که در آلبوم The Future منتشر شد به عنوان موسیقی متن فیلم جنجالی با عنوان قاتلین بالفطره^۱ بهره جست.

کوئن معتقد است: «یک نویسنده همواره با محیط اطراف خود در حال نبرد و کشمکش است پس باید تلاش کند تا این کشمکش‌ها را با هم سازگار کند.» این تلاش در تمام آثار کوئن مشهود است. بسیاری از آثار کوئن رنگ و بویی مذهبی دارند. از آثار او در این

زمینه می‌توان به Hallelujah و If it be your will اشاره کرد.

از زمانی که او به عنوان هنرمندی کمال طلب در آثارش مطرح شده منتقدان احساس کردند او با روی آوردن به موسیقی، شخصیت هنری خود را به مخاطره می‌اندازد اما کوئن خود در این مورد با اشاره به گفته ازراپاوند می‌گوید:

دوقتی شعر از موسیقی دور بماند، خشک و بی‌روح خواهد شد.

در آمریکا کوئن هنوز به عنوان فردی کیش پرست تلقی می‌شود. اما او معتقد است که ترانه‌هایش بیشتر یا سنت‌های اروپایی سازگاری دارند. گرچه لحن و صدای کوئن همواره با اصول اخلاقی آمیخته است اما او آثارش را جزئی از اصول اخلاقی می‌داند. او با شناخت شعرهای شاعرانی چون گارسیا لورکا، برتولت برشت و آشنایی با آثار هنرمندانی چون باب دیلن و ون موریسون (Van Morrison) توانست اشعار خود را با موسیقی سازگار کند.

آشنایی با آثار فدریکو گارسیالورکا (۱۸۹۸-۱۹۳۶) شاعر اسپانیایی، سبب شد تا کوئن در سال ۱۹۸۶ ترانه Take this Waltz را در شهر پاریس اجرا کند. ترانه

کوئن بر اساس شعر Little Vienne Waltz لورکا سروده شده است. او نزدیک به ۱۵۰ ساعت بر روی ترجمه و سازگار کردن این شعر با موسیقی کار کرد. کمپانی CBS در همین سال آلبومی را به نام شاعر در نیویورک^۲ به مناسبت پنجاهمین سالگرد مرگ لورکا منتشر کرد. اولین ترانه این آلبوم Take this Waltz با صدای کوئن بود. نه ترانه دیگر نیز بر اساس شعرهای لورکا توسط هنرمندانی چون تئودورا کس^۳، پاکو دلوسیا^۴ و جیورجیس موساک^۵ و... اجرا شد و در این میان ترانه لئونارد در فهرست موسیقی اسپانیا رتبه اول را به خود اختصاص داد:

اینک در وین ده زن زیبا

شانه‌هایی برای گریستن مرگ

تالاری با نهصد پنجره

درختی برای مردن کیوتران

تکه‌ای کنده شده از روشنایی صبح

نابیده بر موزه فراست (Frost)

آی، آی بیابید برقصیم...

یکی دیگر از آثار ایده‌آل کوئن موسیقی فیلم

McGabe and Mrs. Miller به کارگردانی رابرت آلتمن (Robert Altman) است. فیلم آلتمن با داستانی مهیج با موسیقی کوئن بسیار سازگار است. کوئن در این باره می‌گوید:

آلتمن، فیلم را کاملاً در ارتباط با موسیقی من ساخته است. زمانی که او این اثر را شنید از من خواست تا از آن به عنوان موسیقی فیلم خود استفاده کند. بسیار صادقانه سخن می‌گفت. به او گفتم با فیلم‌های شما آشنایی چندانی ندارم. خواستم نام برخی از آثارش را برایت بگویم. او گفت: "Mash" و من بلافاصله گفتم: همین کافی است. افتخارم این است که از ترانه‌های من در فیلمش استفاده کند. ترانه‌هایی کوئن در عین لطافت آمیخته با غم و اندوه و امید می‌بهم به آینده است.

پانوشته‌ها:

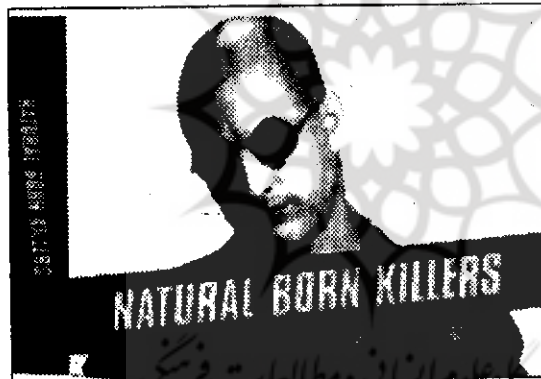
۱. Natural Born Killers

۲. Poeta en Nueva York

۳. Mikos Theodorakis

۴. Paco de Lucia

۵. Georges Moustak



فیلم

قاتلین بالفطره

ساخته

الیور استون

با ترانه

انتظار برای معجزه

Waiting for the Miracle

شروع می‌شود

فروازی از ترانه

انتظار برای معجزه Waking for the Miracle

انتظار

شب و روز انتظار

گذر زمان را حس نمی‌کردم

دور از تو نیمی از عمرم را انتظار کشیدم

گرچه دست‌های بسیاری فرا می‌خواندند مرا،

می‌دانستم که پیکتی از جانب تو می‌آید.

اما باز انتظار،

برای معجزه، معجزه‌ای که می‌آید

می‌دانم که می‌خواهی مرا،

اما می‌بینی که دست‌هایم در بند است

باید با شیپور و طبل زیر پنجره‌ام بایستی

برای معجزه، معجزه‌ای که می‌آید

به رویای تو بودم

آه، در تو روشنی می‌دیدم.

شن‌های زمان از سرانگشتان تو می‌ریخت

و تو در انتظار

برای معجزه، معجزه‌ای که می‌آید.

وقتی در جاده افتاده‌ای

در زیر باران تو را آواز می‌دهند:

دچه می‌کنی؟

آری، خواهی گفت توان شکوه نداری.

اگر مجبورم کنی،

چون لالی خواهی گفت،

آمده‌ای برای انتظار

برای معجزه، معجزه‌ای که می‌آید

می‌دانم که آزدهات کرده

حتی غرورت را،

و من کنار تو به انتظار

برای معجزه، معجزه‌ای که می‌آید.

آه! باور ندارم این چنین باشی

تو چنین انتظاری را نمی‌خواستی

انتظار برای معجزه.

از پایان جنگ دوم تا به امروز

چنین شادمان نبوده‌ام.

دیگر چیزی نمانده،

وقتی برای تکه‌نانی گدایی کنی.

دیگر چیزی نمانده،

وقتی بدانی انتظار ادامه دارد.